

در يك اقليم

عربستان و شركا از طريق سفرهای مكرر به آن كشورها را داشت. چنين رویكردی كار در مذاكرات هسته‌ای و تحریم‌ها را نیز دشوار می‌كند. به هر حال می‌دانیم كه ادوار مذاكراتی مهم مستلزم تداركات و تمهیداتی است و لازم است بستری آماده برای آن شكل بگیرد. مشكل مهم در این حوزه فقدان درکی درست از شرایط دائماً متحول است. در نتیجه فقدان چنین درکی فرصت‌ها و نیز اهرم‌های مهمی را از دست داده ایم. یکی از بدیهیات سیاست خارجی این است كه اهرم‌ها تاریخ مصرف دارند و اگر به موقع استفاده نشوند، می‌سوزند. يك نمونه بارز آن را ما در جریان جنگ تحمیلی با عراق به وضوح دیدیم. در ارتباط با مشكل هسته‌ای، ما در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، اهرم‌های ارزنده‌ای داشتیم كه سوختند. در دوره مرحوم رئیسی نیز اهرم‌هایی داشتیم كه از دست رفتند.

متاسفانه در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ، مقامات ما تغییر شرایط

مور خارجه در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

س از جنگ و نزاع است

مختلف فکری می‌شود. این چندگانگی باید حل شود و دیگر مقامات و نظامیان جان بر کف و سلحشور باید که تا حد ممکن به واگذاری اعلام مواضع به دستگاه دیپلماسی اکتفا کنند مگر به وقت و شرایط خاص خود. وزارت خارجه نیز قطعاً و هرگز نباید از هنر زبان دیپلماتیک عدول نماید و کلام و بیان او در بحبوحه بحران و تنش و فضای جنگی به کلام نظامیان شبیه شود. تصور می‌کنم یکی از وظایف مقامات وزارت خارجه گفت‌وگو و آگاه نمودن طیف ناآگاهان و کم‌دانان و تذکر جدی و بی‌گیری تبلیغات ناپهنگام آنها که مصالح ملی را مغشوش می‌کند و زبان می‌رساند، باشد. باید به برخی گفت سکوت در بزرگه‌ها خود رمزی و راهی است به رستگاری و پیرگویی گاهی نشانه‌ای بر تهی بودن. در هر صورت دیپلماسی آخرین درمان و نوشداری پس از هر جنگ و نزاعی است. گاه هنر دیپلمات و دیپلماسی سد راه هر جنگ و ویرانی ملتی می‌تواند باشد و نویدبخش پایان جنگ و آغاز صلح و باید آن را به عنوان ابزاری کارساز و قدرتمند که باید توانمند شود، به کار برد. دیپلماسی مکانیزمی است ارزشمند و کارا که در هر لحظه می‌تواند در دنیای آشفته امروز آبی بر آتش افروزی‌های سوداگران جنگ و مرگ و تباهی باشد و همواره در کنار نیروی قدرتمند دفاعی و نظامی نگهداری و نگهدانی و از آن بهره‌برداری کرد.



در آمریکا و در منطقه و در شرایط داخلی ایران را وارد معادله نکردند. دشمنی کردن در ذات دشمن است و تردیدی در جنایات اسرائیل و آمریکا نیست. اما سوال این است که آیا دستگاه دیپلماسی ما آنچه را که ما برای جلوگیری از جنگ باید انجام می‌دادیم متوجه شد و سران نظام را متوجه کرد یا خیر؟ احتراز از جنگ امکان حفظ توان بازدارندگی را در حدی که قبل از جنگ وجود داشت، می‌داد. شاید اگر متوجه تغییرات عمده می‌شدیم، امکان جلوگیری از وقوع جنگ می‌توانست وجود داشته باشد. مسئله این است که اگر مذاکرات ما در سال ۱۴۰۴ دقیقاً با همان پیش‌فرض‌ها و اهداف سال ۱۳۹۴ انجام نمی‌شد، شاید امکان احتراز از جنگ و اسنپ‌یک وجود می‌داشت. مذاکره کنندگان ما دقیقاً بر سر همان مسائلی چانه‌زنی می‌کردند و قصد داشتند معامله کنند که ده سال پیش موضوع مذاکره بود. عقب‌نشینی‌های تاکتیکی هم در جنگ‌ها و هم در دیپلماسی امر معمول، لازم و عقلانی است و این روزها برخی مقامات از آن حرف می‌زنند؛ اما با تاخیر بسیار زیاد. گاه دیپلمات‌ها در مذاکرات بین‌المللی ملزم به انتخاب میان گزینه‌های بدو بهتر هستند. بعلاوه، مذاکره و دیدار رو در رو بدون محدودیت خود زیابا و زاینده است؛ نقطه‌نظرات واقعی طرف مقابل را به تدریج معلوم می‌کند؛ منشأ تفاهم متقابل می‌شود. داستان طرحی که ترامپ در ۲۳ نوامبر برای

«برخی از منتقدان معتقدند که سیاست وزیر امور خارجه با سیاست‌های اعلانی رئیس‌جمهور در کارزار انتخاباتی و پس از انتخابات، تباين دارد. به اعتقاد شما تا چه اندازه در رویکرد سیاست خارجی دولت یکدستی وجود دارد؟

در جهان در حال گذار و تغییرات مستمر لحظه‌ای که بسیاری از آنها تا لحظه وقوع غیرقابل پیش‌بینی هستند، برای دولت‌هایی که برنامه جامع در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی ندارند و در کمپین‌های انتخاباتی شعائری را برجسته و طرح می‌کنند، که عمدتاً توسط یاران و هواداران آنها و گاه با نیت اثرگذاری بر آرای رای‌دهندگان نیز تنظیم می‌شود، امکان فراهم نشدن شرایط لازم برای اجرای وعده‌ها بسیار است. راست است که آقای رئیس‌جمهور با وعده‌های امیدساز و جذابی چون عادی‌سازی روابط ایران با جهان و یا تنش‌زدایی و ارتباط با همه کشورها و حل و فصل معیشت، رفاه، درمان، آموزش، بیمه و شعارهای دیگر به صحنه آمد اما تحولات جهانی و شرایط تحمیلی بر ایران و بسیاری از کشورها و ظهور مجدد آقای ترامپ با نوع دیگری از حکمرانی و همچنین مخالفت‌ها و فرآیندهای داخلی ناسازگار و مخالف و ناکارآمدی بر برخی مدیران منتخب و مسائل دیگر امکان تحقق آرمان‌های آقای رئیس‌جمهور را تا حد بسیاری تا این لحظه ناممکن ساخت. به اضافه اینکه تصور نمی‌کنم ایشان و بسیاری دیگر از اطرافیان و منصوبان‌شان هیچ پیش‌بینی دقیقی از تحولات پیش رو درغرب آسیا و تصویری روشن از ناترازی‌ها در حوزه آب، برق، گاز، بانک و غیره داشته‌اند و البته مهم‌تر از هر چیز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بود.

بر اساس برخی شنیده‌ها می‌توان گفت در دولت در باب سیاست خارجی هم‌رنگی و همراهی کاملی وجود ندارد اما تصور بر این است این ناهم‌رنگی و تفاوت بیش از آنکه در درون دولت باشد از عوامل بیرونی تاثیرپذیر است.

«چرند در ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران نقش وزارت خارجه به عنوان سیاست‌گذار کمتر دیده‌شده‌است و بیشتر نقش مجری در اختیار وزارت خارجه قرار دارد، اما حضور وزیر خارجه در نهادهای سیاست‌گذار از جمله شورای عالی امنیت ملی این فرصت را در اختیار وزیر قرار می‌دهد که نظرات تخصصی خود را در مورد مسائل ارائه دهد. فکر می‌کنید با توجه به انتقادهایی که از فقدان ابتکار عمل و تلاش برای حل و فصل دیپلماتیک مسائل وجود دارد، آیا وزیر امور خارجه در ایفای نقش خود در مقابله با طرح‌ها یا ابتکارهای مخرب و غیرمفید کم‌کاری کرده‌است؟ اساساً وزیر خارجه تا چه اندازه می‌تواند برای جلوگیری از اجرای طرح‌هایی که مضر یا مخرب هستند اقدام کند؟

من نمی‌توانم از چنین داوری‌ای در مورد وزارت امور خارجه تبعیت کنم؛ وزارت‌خانه‌ای که در مقاطعی مجری و در مقاطعی فراتر از یک مجری دیده می‌شود، هرگز به تنهایی تصمیم راهبردی نمی‌گیرد و هرگز طرحی اساسی و راهبردی را بدون مصوبه شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای ذریبط اجرایی نمی‌کند. حتی اگر وزارت خارجه در موضوعی کاهلی کرده‌باشد ارگان‌های متعددی هستند که به او برای آوردن طرح و برنامه یادآور شوند. پس وزارت امور خارجه فعلاً در کشور تنها نهادی نیست که در ناشده‌ها و ناکامی‌ها

اوکراین اعلام کرد و چیزی جز طرح تسلیم اوکراین نبود و تا ۲۷ نوامبر به اوکراین فرصت داد که آن را بپذیرد، بسیار درس‌آموز است. زلنسکی به جای اینکه آن را رد کند، پیشنهاد مذاکره در مورد آن را داد و مذاکره‌ای که انجام شد، ورق را برگرداند و این بار روسیه عصبانی شد. اوکراین بر مبنای امکانات و اهرم‌هایی که داشت، واقع‌بینانه برخورد کرد و توانست از طریق دیپلماسی، طرح آمریکارا به نفع خود اصلاح و تعدیل کند. در حالی که اگر ما بودیم حتماً پلافاصله چنین طرحی را رد می‌کردیم.

چانه‌زنی از طریق رسانه‌ها در مورد اموری مانند شکل و فرمت مذاکرات و مطالب قابل طرح در مذاکرات و نتیجه نهایی مذاکرات و در تعلیق نگه داشتن اصل مذاکرات راه حل نیست. مواضع نهایی کشورها در جریان مذاکره در اتاق درسته مشخص می‌شود. آنچه که در رسانه گفته می‌شود، متوجه سیاست داخلی و پایگاه‌های اجتماعی در داخل است. آنها را نباید مبنای کار قرار داد. در اتاق مذاکره نیز هیچ کس را به زور ملزم به امنای هیچ کاغذی نمی‌کنند. بعلاوه، اگر مذاکره جامع و در ارتباط با موضوع‌های متنوع باشد، امکان تهاثر ایجاد می‌شود، یعنی یک طرف می‌تواند در یک حوزه امتیاز بیشتری بگیرد و در حوزه دیگری امتیاز بیشتری بدهد. بی‌توجهی به این قبیل امور یعنی ادامه بن‌بست.



باید سرزنش شود. اما انتظار می‌رود این دستگاه حساس و پردغدغه با قدرت و منطق و عقلانیت و خردورزی و دوری از بازی‌های جناحی و با شجاعت و از خودگذشتگی از منافع ملی این کشور صیانت و حمایت نماید.

«این مسئله مطرح شده‌است که در دوره‌های گذشته، حمایت رئیس‌جمهور از دستگاه سیاست خارجی و تلاش رئیس‌دولت برای اختصاص پرونده‌های سیاست خارجی به وزارت خارجه، باعث شده‌بود که وزارت خارجه در ایفای نقش تخصصی خود راحت‌تر عمل کند. فکر می‌کنید آیا ممکن است بی‌توجهی یا فقدان تخصص رئیس‌جمهور در امور سیاست خارجی، نقشی در کاهش نقش آفرینی تخصصی وزارت خارجه در امور سیاست خارجی داشته‌باشد؟

نمی‌توان گذشته را با فرض این مشخصه (حمایت کامل تمامی رؤسای جمهور از وزرای امور خارجه) در مقابل شرایط دولت امروز به مقایسه و محاسبه گرفت. در دوران گذشته نیز در دوره هر رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه‌ای ضمن تفاوت پارامترهای داخلی و شرایط بین‌المللی یک همسانی کامل وجود نداشته‌است. در برخی دولت‌ها این هماهنگی و حمایت رئیس‌جمهور از سیاست خار جی و وزیر، دستگاه دیپلماسی قوی‌تر و قانونمند و نتیجه نیز ارزیابی بهتری داشته است. رؤسای جمهور مسلط به حوزه سیاست خارجی خود نیز به‌صورت قابل توجهی در دوران خود در سیاست خارجی نقش آفرین و موثر و حامی سیاست‌ها بوده‌اند و حتی برعکس آن هم اتفاق افتاده است؛ تاثیرگذاری وزیر خارجه بر دستگاه ریاست‌جمهوری، چراکه وزرا نیز به سهم خود و در مقایسه با متوسط دیگر اعضای کابینه آن دولت‌ها خود نیز از شخصیت‌های موثر البته با تخصص‌ها و ویژگی‌های متفاوت بوده‌اند. البته در سه دوره گذشته متأسفانه این اشراف به حد بارزی تنزل می‌کند. در مورد دولت فعلی و ارتباط ایشان با وزارت خارجه نمی‌توانم داوری کنم، فضا مبهم‌تر و پرابه‌تر از آن است که بتوان در چنین روزهایی پیرامون این موضوع سخن گفت. البته برخی بسیار می‌پرسند چرا آقای وزیر به‌جای حضور واقعی در پایتخت‌ها سفرهای داخلی در ایران را فعال کرده است؟ مگر این رسالت مهم را استاندار و یک مدیرکل وزارت خارجه نمی‌توانند انجام دهند؟ یا چرا آقای رئیس‌جمهور همواره به پرداختن نصیحت و امیدبخشی حتی در حوزه سیاست خارجی می‌پردازند ولی در عمل آن دورنمای ترسیمی ایشان قابل دسترس و حتی در دایره تماشا و نگاه دوردست هم دیده نمی‌شود؟

واقعیت آن است که امروز با گسترش سیستم ارتباطات بسیاری در کار نقادی و پرسش‌اند. تمامی این گفتار و حرکات و سفرها خمیرمایه این تجزیه و تحلیل‌های رسانه‌ای و مردمی قرار می‌گیرد و هر کس از ظن خود دلیلی برای اثبات دیدگاه خود می‌یابد.

«به اعتقاد شما آیا تغییر وزیر خارجه و قرار گرفتن فرد دیگری در رأس این وزارتخانه، ممکن است تحول اساسی در عملکرد سیاست خارجی کشور ایفا کند؟ یا اینکه معتقدید مشکل ساختار است و به حضور افراد بستگی ندارد؟

با این ایده موافق نیستم. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه تجارب زیادی دارد و با دیگر قوا اعم از نظامی و غیرنظامی ارتباطات مطلوبی دارد. اصولاً تغییر هیچ دلیل و مبنایی برای بهتر شدن وضعیت ندارد و چالش‌ها و موانع و توقف‌ها و کمبودها صرفاً در یک جا تجمع نشده است. وزارت خارجه اصولاً به لحاظ کادر مدیران میانی و کارشناسی نسبت به بسیاری از وزارت‌خانه‌ها از کادری مجرب و دلسوز برخوردار است. این مدیران همواره در مواقع دشوار توانایی و هوشمندی و ذکاوت خود را نشان داده‌اند، اگر چه همان‌گونه که گفته شد به دلایل سیاست‌های خالص‌سازی در کشور وزارت خارجه نیز تا حدی با پسررفت‌ها و تخریب‌هایی در روابط خارجی مواجه شد اما در برهه کنونی، نیاز امروز ما بیش از تغییر در سمت‌ها تغییر در نگاه است و چگونه دیدن و چگونه دیده شدن و چگونه بودن.

سیاستمداران



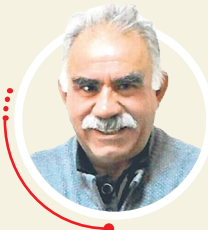
رد شایعات درباره جنگ

رئیس پارلمان لبنان هرگونه تهدیدی را که به کشور منتقل شده، همچنین شایعات مربوط به «ضرب‌الاجل اسرائیلی» را رد و تاکید کرد که قانون انتخابات به‌رغم فشارها بدون اصلاح اجرا خواهد شد. «نبیه‌بری»، رئیس پارلمان لبنان در مصاحبه‌ای با روزنامه‌الدیار، با تاکید بر اینکه وزیر امور خارجه مصر هیچ تهدیدی را به لبنان منتقل نکرده است، اظهار داشت: «هیچ تهدیدی به ما منتقل نشده است و آنچه منتشر می‌شود صرفاً «گمانه‌زنی‌های کلی» است.» در مورد شایعات مربوط به ضرب‌الاجل اسرائیل تا پایان ماه یا جنگ قریب‌الوقوع، بری تاکید کرد که «این شایعات از رسانه‌های اسرائیلی اظهارات دشمن اسرائیلی سرچشمه می‌گیرد و اسرائیلی‌ها هفته‌هاست که تهدید می‌کنند.» با این حال، او این موضوع را که فرستاده‌ای بین‌المللی تهدید مستقیمی را به لبنان منتقل کرده باشد، رد کرد.



درباره آینده اروپا

رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیروز در نشست وزرای خارجه این ائتلاف در بارسلونا برای رونمایی از پیمان اتحادیه اروپا برای مدیریتانه، خواستار همکاری قوی‌تر با شرکای جنوب مدیترانه شد و هشدار داد که جنگ روسیه در اوکراین «یک تهدید وجودی» است. «کایا کالاش» رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنین با بیان اینکه وزن ژئوپلیتیکی مدیریتانه «هر روز آشکارتر می‌شود»، خاطرنشان کرد که اروپا با «تغییرات تکان‌دهنده» روبه‌رو است. این سیاستمدار اروپایی همچنین تاکید کرد که با وجود درگیری‌های جهانی متعدد، «پاسخ بسیار ساده است» و افزود: «جنگ اوکراین یک تهدید وجودی است. اگر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه را متوقف نکنیم، او متوقف نخواهد شد.» رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه خواستار مدیریت روابط شد و خاطرنشان کرد: «ما فقط از طریق مشارکت‌های قوی‌تر و همکاری بسیار بیشتر می‌توانیم به این اهداف دست یابیم. همچنین معتقدم که ما فقط با همکاری برابر می‌توانیم به این هدف دست پیدا کنیم.» وی در ادامه گفت توافق جدید به معنای روابط عمیق‌تر در حوزه‌هایی مانند اقتصاد در حوزه منابع آبی، زیرساخت‌های دیجیتال، جریان‌های انرژی، آموزش، تبادلات فرهنگی و استارت‌آپ‌هاست. کالاس همچنین افزود: «پیام ما ساده و روشن است. روابط کنونی ما خوب است اما می‌توانیم بهترش کنیم.» وی در ادامه نسبت به خطرات امنیتی مشترک در سراسر منطقه مدیترانه هشدار داد و با اشاره به «ناوگان کشتی‌های سایه» که «به روسیه در دور زدن تحریم‌ها کمک می‌کنند»، مدعی شد اینها می‌توانند به عنوان «سکوهای پرتاب پهپادها و حملات» عمل و خطرات زیست‌محیطی ایجادکنند.



حمایت از توافق دمشق و قسد

عبدالله اوجالان حمایت خود را از توافق ۱۰ مارس بین دولت سوریه و نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) اعلام کرد. «عبدالله اوجالان»، بنیانگذار پ.ک.ک اعلام کرد: از توافق ۱۰ مارس بین دولت سوریه و نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) حمایت می‌کنم و باید اجرا شود. طبق گزارش شبکه‌المیادین، عبدالله اوجالان تاکید کرد: ادغام نیروهای دموکراتیک سوریه در ارتش سوریه مهم است، اما نیروهای آسایش باید مسئولیت امنیت مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه را بر عهده بگیرند.